

دکتر حسین صرامی، عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان (گروه جغرافیا)

H. Sarrami, Ph.D

شماره مقاله: ۶۴۹

مرکز پیرامون و رابطه شهر و روستا

چکیده

سازمان فضایی هر منطقه در بردارنده اجزاء و عناصر مختلفی است که سه عنصر اساسی آن مرکز^۱ یا منطقه میانی، حاشیه یا منطقه پیرامونی^۲ و رابطه^۳ آنها یا کنش متقابل^۴ است. تمرکز جمعیت، امکانات، خدمات و کارکردهای متنوع در مرکز یا مادر شهر سبب شده جمعیت نواحی پیرامونی برای رفع نیازهای خویش به آنجا سفر کنند. این امر بر امتیازات، مرکزیت، قدرت و تسلط مرکز می افزاید. لذا ضرورت دارد که برنامه ریزان در بازنگری کارکردهای شهر و روستا (مخصوصاً کارکردهای اقتصادی) چنان کنند که هم شهر و هم روستا، دارای عملکردهای متفاوت و متنوع ویژه خود گردند و دارای کارکرد و وابستگی های دو طرفه و متقابل باشند تا شکاف درآمدی مرکز پیرامون و نیز تفاوت های موجود در خدمات و کیفیات معیشتی آنها کاهش یابد.

کلید واژه ها: مرکز پیرامون، سازمان فضایی، کنش متقابل، حوزه نفوذ، قطب رشد، مادر شهر.

مقدمه

بحث مرکز پیرامون، همواره در مطالعات جغرافیایی مطرح بوده ولی با پژوهش های امثال جان فریدمن^۵ شاخصیت بیشتری پیدا کرده به موضوع مهم رابطه شهر و روستا نیز مرتبط می گردد. مرکز به هر کانون تأثیرگذار اطلاق می شود که بسته به نوع و درجه فعالیت روی شعاع خاصی از پیرامون (یا دامنه^۶) اثر می گذارد.

1. Central Place.
4. Intraction.

2. Complementary Region.
5. J. Fridmann.

3. Relation.
6. Range.

در راستای رابطه شهر و روستا، شهر مرکز و روستاها، پیرامون بوده با ایجاد و استمرار رابطه متعادل و دوطرفه بین شهر و روستا، پخشایش صحیح فضایی، (خدمات و امکانات) در ناحیه مطرح می‌شود که هدف و مطلوب برنامه‌ریزی است.

نظریه مرکز پیرامون از بعد کلان یا رویکرد جهانی به عنوان مرکز یا متروپل (کشورهای فراصنعتی و توسعه یافته) و وابستگی پیرامون یا حاشیه (کشورهای سنتی و توسعه نیافته) به آنها توجه دارد که در این نوشته مورد نظر ما نیست.

روش تحقیق مقاله جنبه بنیادی توسعه‌ای داشته سعی در باز فهمی الگوی مرکز پیرامون و رابطه شهر و روستا در ابعاد نظری و عملی آن داشته به عنوان مطالعه موردی به شهرستان اصفهان و بخش مرکزی آن اشاره می‌نماید. جمع‌آوری مطالب عمدتاً به صورت اسنادی (کتابخانه‌ای) است که همراه با اشکال و جداول مربوطه بررسی و نتیجه‌گیری شده است.

طرح مسأله

در عصر سنت روابط متعادلی بین شهر و روستا وجود داشته است. شهرها از نظر منابع غذایی و مواد خام وابسته به روستاها بوده‌اند و روستاها نیز از نظر سرمایه و خدمات وابسته به شهرها بوده‌اند. در این رابطه هم شهر و هم روستا سود می‌برده‌اند، هرچند که در مجموع از نظر اقتصادی کفه شهر سنگین‌تر بوده است.

در عصر مدرن به خصوص در کشورهای جهان سوم و آن هم کشورهایایی که منابع درآمد آنها محدود به منابع معدن مثل نفت است، وابستگی شهرها روز به روز از روستاها (به خصوص روستاهای پیرامونی خود) کمتر می‌گردد و برعکس وابستگی روستاها (از نظر دریافت خدمات، سرمایه و مواد غذایی) از شهرها بیشتر می‌شود. این امر نه تنها موجب عقب‌ماندگی روستاها و مهاجرت می‌گردد بلکه این عدم تعادل منشأ نابرابر جهان اجتماعی و عدالت اجتماعی است.

فرضیه

رابطه شهر اصفهان با روستاهای پیرامونی خود از این قاعده عمومی مطرح شده در طرح مسأله مستثنا نیست.

هدف

نشان دادن تبعیت شهر اصفهان از رابطه عمومی شهر و روستا در کشورهای جهان

سوم، نشان دادن راهکارهای کلان برای بهبود شرایط زیست در این مادرشهر اسلامی و رعایت و اجرای پیشنهادات مقاله موجب توسعه و بهبود شرایط عدالت اجتماعی در این شهر می‌گردد.

مباحث نظری:

مرکز یا کانون^۷ هر فعالیت، دارای توانمندی‌های بالایی از عملکرد و قدرت است که قسمتی از آن را به نسبت عکس فاصله، در پیرامون^۸ توزیع می‌کند (هرچه فاصله بیشتر تأثیر کمتر). منطقه پیرامونی، حوزه خارج از مرکز یا حاشیه تلقی می‌شود که همواره جریانی از مبادله (کالا و سرمایه) و جابجایی (انسان) را با مرکز به دنبال داشته عموماً روابط به صورت متقابل یا کنش دو طرفه^۹ بین این منطقه و مرکز عمل می‌شود. هرچند در جمع‌بندی‌های نهایی کفه به نفع مرکز سنگین‌تر می‌شود. بعضی محققین به این منطقه پیرامونی حوزه نفوذ یا پسکرانه^{۱۰} هم می‌گویند که هر مرکز با پیرامون خود در سه قلمرو متفاوت مراحل از تسلط دارد (مؤمنی، ۱۳۵۹، ۳۸۵) حوزه جذب (فاصله کم) - حوزه نفوذ (فاصله متوسط) - حوزه تأثیر (فاصله زیاد) که تعیین اندازه دقیق و کمی آن بسته به موارد در پهنه‌های طبیعی و انسانی به صورت‌های مختلف از جمله روش‌های زیر مشخص می‌شود:

۱. بررسی کم و کیف رفت و آمدها (انسان) و بده بستان‌ها (کالا) و خدمات حمل و نقل منطقه.

۲. تقسیمات سیاسی و کشوری به عنوان استان، شهرستان، بخش، دهستان، شهر و روستا.

۳. پرسشگری و مصاحبه با مشتریان فروشگاه‌ها و سوپرمارکت‌ها.

۴. فضای توزیع روزنامه‌های محلی - مراجعه بیماران به درمانگاه‌ها، کدهای همان تلفن و غیره.

۵. مدل جاذبه یا گراویتی^{۱۱} (Small, 1989, 99)

$$G = \frac{P^1 \times P^2}{D^2}$$

۶. مدل مرز نفوذ یا ریلی^{۱۲} (شاریه، ۱۳۷۳، ۲۰۱)

$$R = \frac{D}{1 + \sqrt{\frac{P_1}{P_2}}}$$

۷. شاخص مرکزیت یا سون گود لند^{۱۳} (فرید، ۱۳۷۳، ۱۷۸)

$$S = \frac{D \times 100}{f}$$

7. Core.

8. Periphery.

9. Intracton.

10. Hinterland.

11. Gravity Model.

12. Reilly Model.

13. Seven god land.

تلقى عملی تر این تئوری وجود شهر و روستا در مناطق است که شهرها مرکز و روستاها پیرامون محسوب می‌شوند و واقعیت این است که همواره شهرها (به دلیل قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ...) بر روستاها تسلط دارند.

مدل مرکز پیرامون قابل تسری به نظریه قطب رشد^{۱۴} در توسعه منطقه‌ای نیز هست (صرافى، ۱۳۷۹، ۱۲۱). به این معنی که همیشه جریانی از تخلیه قدرت و امکانات از حاشیه به مرکز وجود دارد. اگرچه طرفداران قطب رشد معتقدند توسعه پس از اشباع در مرکز، به پیرامون سرایت خواهد کرد.

در سطح کلان نیز گسستگی نظام سلسله مراتب سکونتگاهی و تقسیم نامتوازن جمعیت و امکانات در کشورهای توسعه نیافته و تجمع آنها در کانون‌هایی نظیر مادر شهرهای ملی یا منطقه‌ای^{۱۵} انعکاسی از شرایط مرکز-پیرامون و سیاستگذاری‌های کلان سرمایه در جهان است. از یک سو نظام سلطه جهانی از دیرباز برای برقراری جریان زهکش‌کننده همواره در این کشورها به تمرکز روی کرده و از دیگر سو در درون این کشورها نیز تمرکز منشأ صرفه اقتصادی بوده است. این دو مسأله در کنار هم موجب تقویت تمرکز شده است (سجادی، ۱۳۸۰، ۱۶۹).

یکی از محققین، مرکز پیرامون را با سیاست جهانی شدن و رسیدن امواج آن حتی به کوچکترین روستا پیوند داده می‌نویسد: در شبکه جهانی سلسله مراتب مرکز حاشیه، سیطره مرکز به حاشیه به نوبه خود به واحدهای گوناگون حتی کانون‌های روستایی منزوی و توسعه نیافته نیز نشر و نشت می‌یابد (سعیدی، ۱۳۷۵، ۶۱). فریدمن که مدل مرکز پیرامون را پیشنهاد می‌کند می‌گوید: هر نظام جغرافیایی شامل دو زیر نظام فضایی است یکی مرکز، قلب پیشتاز و پویای نظام است و دیگری پیرامون که می‌توان آن را بقیه نظام به حساب آورد که در حالت وابستگی و سلطه‌پذیری نسبت به مرکز قرار داد. این چنین رابطه‌ای را هم در سطح ملی (بین مناطق و مرکز) هم در سطح درون منطقه قاره‌ای و حتی جهانی می‌توان به کار برد.

« در حقیقت مفهوم مرکز پیرامون وقتی به اوضاع روابط بین‌المللی اطلاق می‌شود که در آن دو سیستم که دارای محتوای اطلاعاتی - منطقی، مشابه نیستند در شرایطی بسیار دور از هم قرار دارند، به طوری که مرکز (متروپل) کشورهای فراصنعتی هستند که نظام

اقتصادی سرمایه‌داری بر آنها حاکم است و به مرحله سرمایه‌گذاری خارجی رسیده‌اند. پیرامون (حاشیه) کشورهای هستند که اقتصاد آنها در مرحله پایین‌تری قرار دارد و در اقتصاد جهانی ادغام شده‌اند (آزاده، ۱۳۸۰، ۹).

در این شرایط روابط این دو سیستم پیچیده و بحرانی است و عملاً تداوم فاصله فرهنگی و اقتصادی بین مرکز و پیرامون حفظ شده است. روند جهانی شدن^{۱۶} نیز که نوعی الگوی توسعه صنعتی و غربی است در همین راستا می‌باشد که این تفکر و رفتار غرب (مرکز) را به سایر جهان (پیرامون) سرایت می‌دهد. تا آنجا که پل باران^{۱۷} (صاحب نظریه وابستگی^{۱۸}) خصلت ویژه تکامل اروپایی غربی را، عامل تعیین‌کننده‌ای در توسعه نیافتگی جوامع عقب‌مانده می‌داند (ازکیا، ۱۳۷۵، ۱۲۷).

نکته با اهمیت در این مدل نقش مهم شهر است شهر نقش وحدت‌آور و ثبات‌بخش را ایفا می‌کند. استقرار و ایجاد مراکز شهری در درون پیرامون است که منابع را قابل استفاده می‌کند و بخش‌های پراکنده فضای اقتصاد را قابل دسترسی می‌سازد. در واقع توسعه در شهر زاییده شده و به پیرامون (روستا) جریان می‌یابد (بریمانی، ۱۳۷۶، ۱۰۲). البته نباید فراموش کرد که امروزه وابستگی شهر (مرکز) به پسرانه‌های نزدیک (پیرامون)، مانند گذشته نیست. بسا شهرهایی متکی به فضاهای بسیار دور دست، فرامرزی و فرامنطقه‌ای باشند.

«اگرچه مرکز منطقه‌ای هنوز به عنوان یک مقر مرکزی برای نواحی پیرامون خود عمل می‌کند. اما در حالی که خودکفایی منطقه‌ای جهانی خود را به ملزومات اقتصاد صادراتی وابسته به بازار جهان داده است، کارکردها، حدود شهر و روابط یکپارچه‌کننده آن با مناطق اطراف دستخوش تغییر شده است» (کاستلو^{۱۹}، ۱۳۸۳، ۲۰۲).

در مدل زیر سیر تحول مناطق از منظر تئوری مرکز پیرامون در چهار مرحله از بالا به پایین به تصویر کشیده شده است (Small, 1989, 49).

فریدمن نظریه اگروپولیتن^{۲۰} (منطقه کشت شهری) را نیز از این می‌دهد که نوعی توسعه غیر متمرکز (پایین به بالا) بوده، جماعات همگون روستایی جهت رفع تمرکز به خود متکی بوده جهت رسیدن به هدف مشترک بسیج می‌شوند (پاپلی‌یزدی، ۱۳۸۱، ۱۹۵).

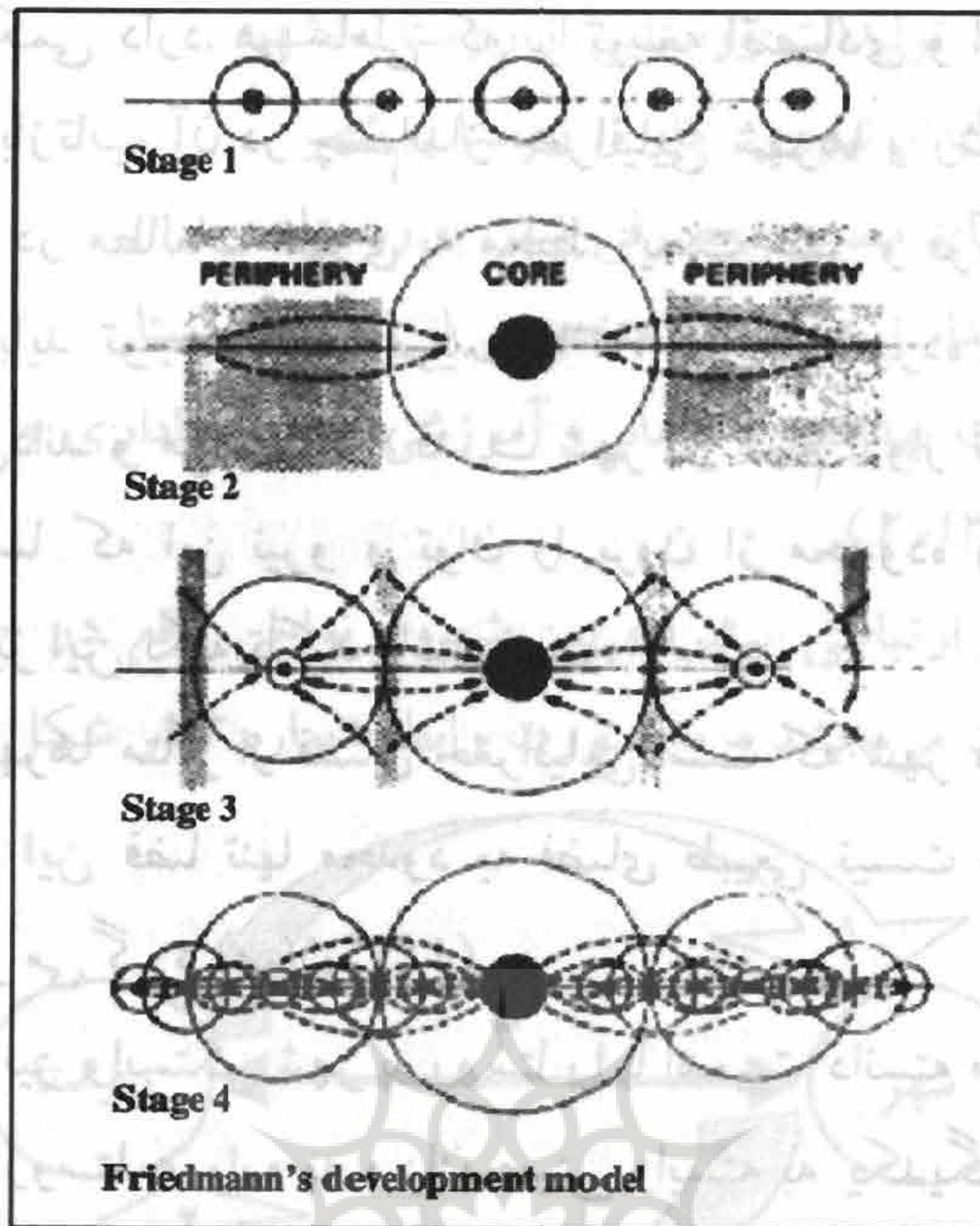
16. Globalization.

19. V. F. Costello.

17. Paul Baran.

20. Agropolitan.

18. Dependency Theory.



شکل ۱ مدل‌های توسعه ناحیه‌ای از «ج. فریدمن»

هاگرسترند سوئدی^{۲۱} سرایت پدیده‌ها از مرکز یا مبدأ به پیرامون را تحت عناوین پدیده پنخس^{۲۲} یا انتشار فضائی^{۲۳} توضیح داده است (شکوئی، ۱۳۷۵، ۳۰۲). پروفیسور اهلرز رابطه عمدتاً یکطرفه به سوی و سود شهر را ناشی از تأثیرات کارکردی شهر و کمبود خدمات و امکانات روستایی می‌داند و می‌نویسد:

سیطره شهر بر حوزه‌های پیرامونی از طریق اعمال کارکردهای تدارکاتی تشدید می‌گردد. همین‌گونه کارکردها، شهرهای سنتی را نیز در رابطه با حومه پیرامونی خود به عنوان مکان‌های مرکزی عینی مطرح می‌سازند... اولین نتیجه این عطای اقتصادی شهرها به حوزه‌های روستایی پیرامون خود کمبود واحدهای خدماتی خصوصی و عمومی در سطح روستاست (اهلرز، ۱۳۸۰، ۲۳۱).

دکتر فرید نیز وابستگی و پیوستگی همیشگی سکونتگاه‌ها مخصوصاً شهر و روستا را تأکید داشته می‌نویسد:

«از نظر جغرافیایی مطالعه شهر منحصر به محدوده خود شهر نیست چرا که شهر با پیرامون خود با روستاهای اطراف و شهرهای دیگر ناحیه‌ای که در آن تکوین یافته است

21. T. Hagerstrand.

22. Diffusion.

23. Spatial distribution.

پیوند جغرافیایی محکمی دارد. هر عاملی که بر توسعه اقتصادی و اجتماعی نابرابر نواحی جغرافیایی بیانجامد، بازتاب آن در چشم‌انداز جغرافیایی شهرها و رشد ناهمگون آنها توان یافت. بر این اساس در مطالعات شهری به محیط زیست شهر و فرآیندهای حاکم بر آن در مقیاس ناحیه‌ای باید توجه داشت (فرید، ۱۳۷۵، ۴۴۳). نامبرده موجودیت شهر را به بیرون آن مرتبط می‌داند و می‌نویسد: «قدرت شهر در تمام ادوار تاریخی ناشی از درون شهر نیست و چه بسا که این نیرو و توان را برون از محدوده و مرز خویش کسب می‌کند» وی مجدداً بر این نکته تأکید داشته است:

نقش و کار شهرها متأثر از فضای جغرافیایی است که شهر در آن تکوین یافته و توسعه پذیرفته است این فضا تنها محدود به فضای طبیعی نیست بلکه فضای سیاسی و اقتصادی را نیز در بر می‌گیرد (همان، ۲۴۴).

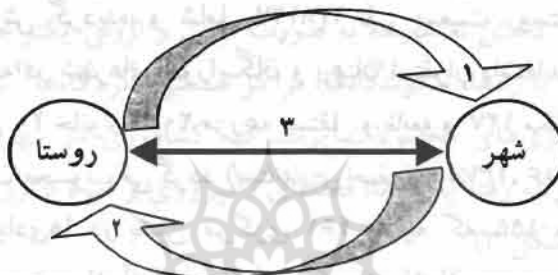
دکتر فشارکی نیز وابستگی شهر به روستا را با اهمیت دانسته می‌نویسد: اگرچه شهر و روستا همواره به میزان معینی وابسته به یکدیگر بوده‌اند ولی صنعتی شدن باعث وابستگی بسیار شهر به روستا برای غذا، مواد خام و نیروی انسانی است، در حالی که روستا بر عکس، برای کلیه نیازمندی‌های اقتصادی و اجتماعی چشم‌امید به شهر دوخته است. این وابستگی متقابل با دسترسی به شکل‌های جدید حمل و نقل و وسایل ارتباط جمعی تسهیل شده است. با پیدایش راه آهن و سپس اتومبیل، روستانشین توانست دایره فعالیتش را توسعه دهد در حالی که بخش وسیع‌تر رادیو و تلویزیون و مطبوعات در سراسر روستا دنیا را به اطاق نشیمن او آورده است (فشارکی، ۱۳۷۳، ۴۲).

ساختار متفاوت و مهم دیگر شهر و روستا غیر از دوگانگی درآمدها، خدمات دولتی مانند مراکز بهداشتی، بیمارستان‌ها، مدارس، برق و آب تصفیه شده است همه این عوامل نشان‌دهنده نوعی ثروت نامرئی است و مهاجران به خوبی آگاهند که با آمدن به شهر فرصت بهبود زندگی برای آنها و فرزندانشان بیشتر می‌شود. علت مهاجرت این است که پیشرفت غیر عادلانه است ... و مهاجرت نوعی اعتراض به این نابرابری است (هریسون، ۱۳۶۴، ۱۶۸-۱۷۲).

به طور کلی می‌توان گفت شهرها با سکونتگاه‌های واقع در حوزه نفوذشان چند نوع ارتباط ساختاری و تکرار شونده (که عموماً غیر متوازن و ناعادلانه است) دارند که اهم آنها عبارتند از:

- (الف) انتقال مازاد تولیدات روستایی از روستا به شهر
 (ب) جابجایی ناپایدار نیروی کار از روستا به شهر
 (ج) عرضه کالاهای مصنوع مصرفی شهر به روستا
 (د) جابجایی ناپایدار نیروی کار متخصص از شهر به روستا
 (هـ) ارائه خدمات بهداشتی، درمانی، آموزشی، سیاسی، اداری و تعمیراتی از شهر به روستا (رئیس دانا، ۱۳۷۵، ۲).

وجود شبکه‌های ارتباطی پیشرفته بین شهر و نواحی واقع در حوزه نفوذ، ارتباطات ساختاری فوق را شدت می‌بخشد و به صورت رابطه شماره ۳ در شکل زیر در می‌آورد.



شکل ۲ انواع روابط میان شهر و روستا از نظر مبدأ و مقصد

۱. روابطی که معمولاً از سوی روستا برقرار می‌گردد.
۲. روابطی که معمولاً از سوی شهر برقرار می‌گردد.
۳. روابطی که معمولاً از سوی شهر و روستا به صورت متقابل برقرار می‌گردد.

نقش و کارکرد اصفهان به عنوان مرکز منطقه

از گذشته‌های دور منطقه اصفهان دارای سیستم تک مرکزی (و شهر مسلط) بوده است. سکونتگاه‌های پیرامونی ضمن وابستگی به این شهر، از داشتن رابطه متوازن و تکاملی محروم بوده نیازهایشان عمدتاً در مرکز یعنی شهر اصفهان برآورده می‌شد. همین مسأله باعث می‌شود که نواحی پیرامونی این شهر محروم از داشتن امکانات لازم (آموزشی، فرهنگی، بهداشتی و ...) باشند. تمرکز شدید مجموعه فعالیتهای عمرانی استان طی دو دهه ۸۰-۱۳۶۰ به دلیل مرکزیت سیاسی شهرستان و بخش و تمرکز فعالیتهای اداری، در شهر اصفهان باعث شده است هر ساله حجم وسیعی از اعتبارات و بودجه عمومی در بخش مرکزی هزینه گردد. این امر باعث بالا رفتن سطح برخورداری (از امکانات رفاهی و عمومی) و ایجاد فاصله بین مرکز و پیرامون گردیده است. شهرستان

اصفهان با وجودی که بخش وسیعی از آن خشک و بی آب است بیشترین جمعیت (۱۶۱۰۰۱۵ نفر برای سال ۱۳۷۵) و نیز جمعیت روستایی (۲۱۱۷۴۵ نفر) را در بین شهرستان‌های استان دارا است. در سال ۱۳۷۵ در این شهرستان کلاً ۱۱۸۶ آبادی وجود داشته است که ۵۷۹ آبادی آن دارای سکنه و بقیه تخلیه یا ادغام شده بودند.

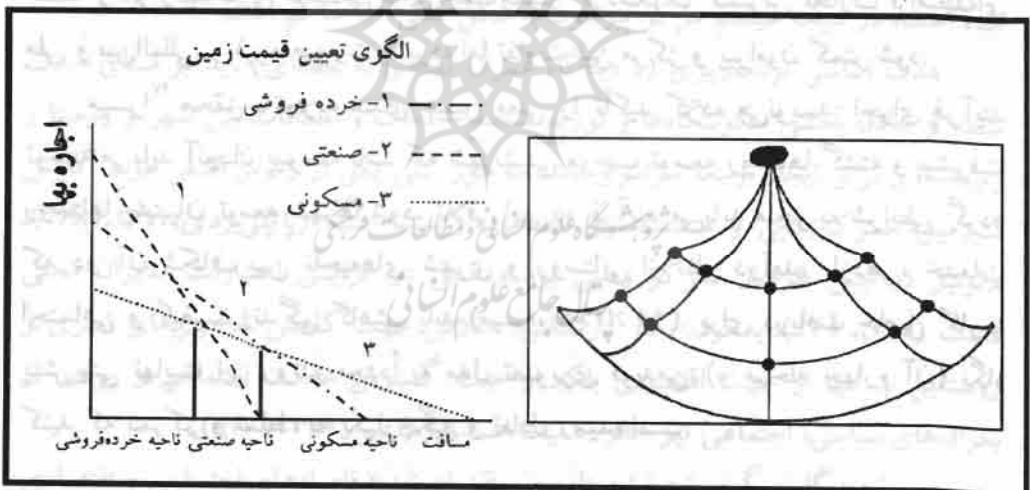
بخش مرکزی شهرستان اصفهان با ۱۷۶۸/۵ کیلومتر مربع وسعت از منطقه مرغ و مهیار تا حصه و محمودآباد، به شعاع حدود ۵۰ کیلومتر در حاشیه اصفهان واقع شده است. این بخش ۷ دهستان شامل کراچ، براآن جنوبی، براآن شمالی، جی، قهاب شمالی، قهاب جنوبی و محمودآباد را شامل می‌شود. بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ جمعیت این بخش ۲۱۱۴۵۷ نفر گزارش گردیده، و شامل ۱۳۸۴۲۷ نفر جمعیت روستایی و ۱۰۳۰۳۰ نفر جمعیت شهری که در شهرهای خوراسگان و رهنان استقرار داشته‌اند. این بخش با تعداد ۱۲۱ روستای بالای ۲۰ خانوار، ۲۰۹ مزرعه مستقل و تابعه و ۱۲۷ مکان مستقل بزرگترین بخش استان اصفهان محسوب می‌گردد (استان‌داری اصفهان، ۱۳۷۸، ۱۶).

تعداد کل آبادی‌ها در بخش مرکزی ۴۶۱ پارچه که ۱۵۵ مورد آن روستاهای مسکونی است که بعضی از آنها به دلایل مرکزیت، اشراف به رودخانه، بهره‌گیری از امکانات و خدمات شهری اصفهان پرجمعیت‌تر و پیشرفت‌هایی داشته (محمودآباد، زیار، اصفهانک، گورت، ارغوانیه، دشتی و ...) است. برعکس تعدادی از روستاهای کم جمعیت دارای مشکلات فراوان (حسین‌آباد، ازوار، صادق‌آباد، هادی‌گل، عادل‌آباد) بوده‌اند. استقرار فعالیتهای خدماتی در این روستاهای کوچک نیز به هیچ وجه توجیه اقتصادی ندارد.

جدول ۱ نسبت درصد اهداف سفرهای از حوزه نفوذ به شهر اصفهان

مبدأ	هدف سفر							
	کار	مدرسه	خرید	مراجعه به اداره	پزشکی	دیدار نزدیکان	گذران اوقات فراغت	سایر موارد
شاهین شهر	۴۳	۶	۱۵	۴	۶	۱۰	۴	۱۲
برخوار	۴۳	۱۲	۱۴	۱	۱۰	۸	۳	۹
قهاب	۱۳	۱۹	۲۸	۳	۹	۶	۶	۱۶
برآن شمالی	۱۳	۳۹	۲۱	۵	۵	۱	۵	۱۱
فلاورجان	۳۷	۱۰	۱۱	۲	۱۳	۹	۶	۱۲
نجف‌آباد	۳۹	۷	۸	۲	۱۳	۱۳	۷	۱۱
خمینی شهر	۳۸	۱۰	۱۳	۳	۱۳	۸	۷	۸

چنانچه از جدول فوق مشخص می‌شود بیشتر سفرها جنبه اقتصادی (رفتن سرکار یا خرید) داشته سپس نسبت‌های آموزشی، پزشکی، دیدار نزدیکان، تفریح و بالاخره امور اداری بوده است. روند مستمر بهره‌گیری از توانمندی‌های خدماتی، اقتصادی، سیاسی، علمی، حوزه نفوذ عظیمی را برای مادر شهرهایی مثل اصفهان که بدون رقیب در منطقه و در مواردی کشور است، فراهم می‌کند. این امر موجب فزونی قدرت مخصوصاً قدرت اقتصادی ... آن مرکز و وابستگی و نیاز سایر مناطق به مرکز می‌انجامد. این امر باعث می‌شود که در مرکز شهر^{۲۴} ارزش معاملاتی یا اجاره بهای زمین، بسیار بالا رود. طبق مدل کلاسیک فون تونن^{۲۵}، ارزش معاملاتی و یا اجاره بهای زمین به طرف پیرامون کاهش می‌یابد. هر چند این کاهش نه همیشه به صورت خطی و نزولی یکنواخت، بلکه با افت و خیزهایی در برخورد با راه‌ها، سکونتگاه‌ها، مراکز صنعتی، گره‌گاه‌ها^{۲۶} روبرو می‌باشند. در پیرامون نیز به کاربری‌های محصولات پرمصرف کشاورزی در شهرها (مانند سبزی و صیفی) می‌گراید و رفته رفته به باغ‌ها، فضاهای دامپروری و غیره با ارزش معاملاتی بسیار کمتر ختم می‌شود (شکل ۳).



شکل ۳ سطح‌بندی ارزش زمین شهری تجاری مرکز شهر (C.B.D)

در منطقه مورد مطالعه تأثیر شهر اصفهان بر نسبت خانوارهای کشاورز و وسعت واحدهای بهره‌برداری کاملاً محسوس است. بنابراین کشاورزی در آینده نیز یکی از منابع

24. Central Business District (CBD) هسته مرکزی شهر مرکز هدایت اقتصادی، سیاسی و رقابت شهر است.

25. Von Thunen.

26. Nods.

اصلی اقتصاد منطقه خواهد بود، ولی این امر برای همه نواحی دهستان‌های پیرامونی یکسان دیده شود. مثلاً واحدهای بهره‌برداری در دهستان‌های براآن به ۱۲ هکتار می‌رسد در حالی که این مقدار برای دهستان جی حدود ۲/۵ هکتار است. یا نسبت خانوارهای بهره‌بردار کشاورزی در روستای برسیان به ۸۱ درصد می‌رسد در حالی که این نسبت برای روستای گورت که نزدیک به شهر خوراسگان و بر سر محور اصفهان نائین قرار گرفته به ۳۵ درصد می‌رسد. نسبت خانوار بهره‌بردار کشاورزی روستای ارغوانیه نزدیک به ۹ درصد است. این امر نشان‌دهنده این واقعیت می‌باشد که این روستا از نظر اقتصادی دارای ساختار کشاورزی نمی‌باشد. البته محمدآباد قهاب نیز با توجه به ویژگی آن که محل تجمع کوره‌های آجر و آهک و گچ می‌باشد ۳ درصد خانوار آن به کار بهره‌برداری کشاورزی مشغول هستند (مهندسین مشاور نقش جهان، ۱۳۷۳، ۷). ولی، عدالت‌خواهی و آینده‌بینی ایجاب می‌کند روش هر دو نوع سکونتگاه (با ساختار کشاورزی بالا و یا غیر آن) باید با توزیع بهینه منابع درآمدی مکان‌گزینی صنایع کوچک مناسب و غیر آلاینده، در سراسر منطقه و نیز زمینه‌سازی فرهنگی برای جلب بیشتر گردشگران گسترش تجارت فرامنطقه‌ای ملی و بین‌المللی و غیره صورت پذیرد، اما تفاوت بین مرکز و پیرامون کمتر شود.

میسرا^{۲۷} محقق باتجربه هندی همین معنی را تأکید کرده می‌نویسد: اجرای فرآیند توسعه می‌باید آنچنان پیوسته باشد که شهرنشینی موجب توسعه روستاها گشته و پیشرفت روستاها پشتیبان توسعه شهرها شود. تلاقی این دو فرآیند می‌باید منجر به شرایطی گردد که در آن شکاف بین ناحیه‌های شهری و روستایی از نظر درآمد، بازدهی، خدمات اجتماعی و کیفیت زندگی کاهش یابد (میسرا، ۱۳۶۶، ۱۸). برای دریافت حاصل کار و پیش‌بینی نهایت این روند، مجدداً به مدل تصویری فریدمن (و مرحله چهارم آن) نگاه کنید که تمرکز و تسلط، به یکپارچگی و تعادل رسیده است.

نتیجه‌گیری

بحث مرکز، پیرامون در سکونتگاه‌ها، عمدتاً در شهر و روستا متجلی می‌شود. عناصری که همواره نوعی وابستگی به همدیگر داشته‌اند جلوه‌گاه پیوند جدایی‌ناپذیر شهر و روستا بوده‌اند. این نکته به ویژه در سرزمین‌های شرق اسلامی و از جمله در ایران

مصدق داشته است» (اهلرز، ۱۳۸۰، ۲). در گذشته، شهرها مخصوصاً از لحاظ تغذیه متکی به روستاها بوده‌اند. باید گفت که در گذشته شهر و روستا در ابعادی هر چند نابرابر، به یکدیگر وابستگی داشته‌اند و دارای رابطه‌ای دو طرفه بوده‌اند. ولی امروزه وابستگی شهرها به روستاهای پیرامونشان در حال کاهش است.

با تحولات تکنولوژیکی و اقتصادی، شهرها دارای توسعه برونزا (متکی به اقتصاد ملی و فراملی مثل نفت، تجارت، توریسم و ...) شده‌اند. شهرها به عنوان مرکز، گذشته از تأمین خدمات مختلف آموزشی، بهداشتی، سیاسی، فرهنگی برای روستاها، بخش مهمی از مواد غذایی آنها را هم از راه تجارت فرامنطقه‌ای تأمین می‌کنند. در عصر سنت و تا قبل از پیدایش وسایل حمل و نقل سریع و سردخانه‌ای این شهرها بوده‌اند که از نظر غذایی محتاج روستاها بوده‌اند. ولی در حال حاضر این شهرها هستند که بخش مهمی از غذای مصرفی روستاها را تأمین می‌کنند. به علاوه شهرها مواد خام اولیه صنایع دستی و صنایع روستایی را تأمین می‌نمایند. یعنی برعکس گذشته عموماً روستاها متکی به قدرت و امکانات شهری گردیده‌اند. رابطه شهر و روستا یک رابطه یک طرفه یعنی به نفع شهرها شده است، در نتیجه سیستم مرکز پیرامون به شکل فعلی آن حاکم است.

هدف اساسی برنامه‌ریزی (با دیدگاه عمران پهنه‌ای نه نقطه‌ای) باید بر مبنای حذف سلطه و تعادل بخشی سکونتگاه‌ها و توزیع صحیح خدمات و امکانات بین شهر و روستا و زمینه‌سازی برای ایجاد توسعه سراسری باشد. به طور کلی یکی از رئوس اصلی طرح آمایش سرزمین، تمرکززدایی و متعادل‌سازی فضاهای زیست است (پاپلی‌یزدی، ۲۳۷، ۱۳۸۱).

مائونیز در چین طرفدار تمرکز زدایی بود و سعی در افزایش اختیارات مدیران محلی داشت (همان، ۲۴۹). به قول یک کارشناس: «تلاش جهت کاهش نابرابری‌های شهری و روستایی نه تنها از جهت اقتصادی بلکه از حیث گسترش عدالت اجتماعی و پرهیز از بحران‌های سیاسی، اجتماعی نیز حائز اهمیت است» (سلیمی، ۱۳۷۸، ۱۷۷).

میسرا دیدگاه دیگری نیز ارائه داده و معتقد است: «فاصله‌های اجتماعی و اقتصادی میان شهر و روستا واقعاً زیاد است و این فاصله فقط با ظهور جوامع روستا شهری که از نظر اجتماعی نزدیک به روستاها اما از نظر اقتصادی و سازمان یافتگی بیشتر شبیه شهرها باشند قابل کاهش است» (پاپلی‌یزدی، ۱۳۸۱، ۲۰۶). در واقع لازمه بهره‌مندی مطلوب و عادلانه از فضا، استقرار علمی و با مطالعه پدیده‌های کاری در فضا است، تا مناطق انتظام پیدا کرده، هماهنگ و آرام با ظرفیت متعادل، کارآیی اقتصادی، حفظ و پایداری محیط و

منابع، پیش رفته به یکپارچگی فضایی^{۲۸} و پیامدهای متعالی آن نایل شوند. بنابراین راه‌های صحیح، علمی جهت دستیابی به اهداف متعالی، عدالت‌خواهانه و تمرکز شکن، مستلزم مطالعات گسترده، بلوغ ذهنی، آگاهی‌های عمومی، تجربه، خواستن، همچنین بهره‌گیری از نتایج کار و سرنوشت دیگران، بهره‌وری بهتر از منابع و سرمایه‌های ملی و انسانی، همگام با بینش بالا، مطلوب و مردمی حاکمیت و مدیریت است.

منابع و مآخذ

۱. آزاده، خ؛ عوامل بومی توسعه نیافتگی در چارچوب نظریه مرکز پیرامون، روزنامه همشهری، ۱۹ شهریور ۱۳۸۰.
۲. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۵)؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، چ ۳، اطلاعات، تهران.
۳. اهلرز، اکارت، ترجمه عباس سعیدی (۱۳۸۰)؛ ایران، شهر و روستا، عشایر، منشی، تهران.
۴. پاپلی‌یزدی، محمدحسین؛ ابراهیمی، محمد امیر (۱۳۸۱)؛ نظریه‌های توسعه روستایی، سمت، تهران.
۵. رئیس دانا، فریبرز (۱۳۷۵)؛ حوزه نفوذ، مجله گسترش و عمران، شماره ۳۳/۲۱، تهران.
۶. بریمانی، فرامرز (۱۳۷۶)؛ درآمدی بر توسعه و رویکرد جغرافیایی آن، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۵، زاهدان.
۷. سجادی، ژیللا؛ علیزاده، کتابیون (۱۳۸۰)؛ بررسی و روابط فضایی مادر شهر ...، مجله علوم زمین، شماره ۵ و ۴، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۸. سعیدی، عباس (۱۳۷۵)؛ جایگاه روستاهای کوچک در برنامه‌ریزی توسعه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۳، مشهد.
۹. سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۷۸)؛ روند تغییرات نابرابری‌های شهری - روستایی ...، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۳ و ۵۲، مشهد.
۱۰. شاریه، ژان برنار، ترجمه سیروس سهامی (۱۳۷۳)؛ شهرها و روستاها، نیکا، مشهد.
۱۱. شکوئی، حسین (۱۳۷۵)؛ اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا؛ گیتاشناسی، تهران.
۱۲. صرافی، مظفر (۱۳۷۹)؛ مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران.
۱۳. فرید، یدالله (۱۳۷۵)؛ روش تحقیق شهر و روستا، چ ۴، دانشگاه تبریز، تبریز.
۱۴. فرید، یدالله (۱۳۷۳)؛ جغرافیا و شهرشناسی، ج ۲، دانشگاه تبریز، تبریز.
۱۵. فشارکی، پریدخت (۱۳۷۳)؛ جغرافیای روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
۱۶. کاستللو، ویتسنت فرانسین (۱۳۸۳)؛ شهرنشینی در خاورمیانه، پرویز پیران، عبدالعلی رضایی، چ ۳ نشر نی، تهران.
۱۷. مهندسین مشاور نقش جهان - پارس (۱۳۷۳)؛ طرح جامع خوراسگان، مسکن و شهرسازی استان اصفهان، اصفهان.
۱۸. مؤمنی، مصطفی (۱۳۵۹)؛ مطالعات اجتماعی اقتصادی شهرستان تفت، دانشگاه معماری دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۹. میسرارامش ورپراساد (۱۳۶۶)؛ برداشتی نو از مسایل توسعه، نشریه گزیده مسایل اقتصادی اجتماعی، شماره ۴۶، چ چهارم، سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت کشور، تهران.
۲۰. نویسندگان (۱۳۷۸)؛ گزارش سیمای اصفهان، انتشارات استانداری استان اصفهان، اصفهان.
۲۱. هریسون پل (۱۳۶۴)؛ درون جهان سوم، شاداب وجدی، انتشارات فاطمی، تهران.

22. Small, J and witherick, M (1989); "A modern Dictionary of Geogrphey", Edward Arnold, London, UK".